

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۰

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال نوزدهم، شماره ۷۵، بهار ۱۴۰۲

مورخ شهیر، عارف گمنام شرف‌الدین علی یزدی در آینه «التوحید من نفس الرحمن»

ناصر خراسانی^۱

داود چوگانیان^۲

غلامعلی آریا^۳

علیرضا ابراهیم^۴

چکیده

یکی از عرفای گمنام قرن نهم شرف‌الدین علی یزدی است که به واسطه اثر معروف خود، ظفرنامه تاکنون به عنوان مورخی شهیر از وی یاد شده؛ هرچند کشف آثار و تحقیقات معاصر ابعاد دیگر شخصیت علمی او را هویدا کرده است لیکن معرفی نسخه خطی تازه‌یاب رساله تهلیلیه «التوحید من نفس الرحمن» سبب پیدایی و شناخت وجهه عرفانی این مورخ، ادیب، ریاضی‌دان، منجم، لغوی و موسیقی‌دان یزدی شده که تا کنون مهجور مانده است. در این پژوهش ضمن واکاوی زندگی و شخصیت معنوی شرف‌الدین علی یزدی کوشش شده است با بررسی اندیشه‌های عرفانی وی در سه مقوله اساسی خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، منظومه عرفانی این دانشمند تبیین شود. شرف‌الدین علی یزدی قائل به وحدت ذاتی در ضمن کثرات رتبی است و آفرینش عالم را که صورتی از نفس رحمانی است، نمایشی مترتب بر ظهور اسمای حسنی و بر مدار عشق می‌داند. قرائن و شواهد تاریخی حکایت از تبعیت وی از شاه نعمت‌الله ولی در سلوک داشته و طی طریق در کنار اشتغالات سیاسی و اجتماعی وی بسیار بارز و حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی:

شرف‌الدین علی یزدی، تهلیلیه، التوحید من نفس الرحمن، ظفرنامه، عرفان.

۱- دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه عرفان اسلامی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. نویسنده مسئول: dchoganian@gmail.com

۳- استاد گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴- استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پیشگفتار

اوضاع سیاسی و اجتماعی قرن نهم متأثر از حکومت تیموریان است؛ امیران تیموری در یک تعارض شخصیتی و در کنار جنگ و کشورگشایی‌های پیاپی همواره نیم‌نگاهی به علم، هنر و عرفان داشته تا حدی که دانشی و فرهیخته به نظر می‌رسیدند و در مواقع فراغت از لشکرکشی و جنگ به آبادانی و رفاه اجتماعی می‌کوشیدند.

حکمرانان ادب پرور، شعر دوستان سیاست پیشه و وزیران مورخ، عهد تیموری را به دوران درخشش ادب پارسی تبدیل نموده‌اند. کثرت آثار فاخر در زمینه تاریخ، شعر و نثر پارسی و ظهور مورخین، شعرا و عرفای شاخص تاریخ ایران در این عصر، خود باعث رونق ادبیات، تاریخ و عرفان در این دوره شد. هر چند اختلاف نظرهایی در این باره وجود دارد و اساتیدی چون ملک الشعرای بهار این دوره را دنباله کاروان تقهقر و انحطاط ادبی می‌دانند و صرفاً عصر تیموری را دوره شکوفایی تاریخ، خط و مینیاتور به حساب می‌آورند. (بهار، ۲۵۳۵ ش، ج ۳: ۸۵ و ۱۸۴) لیکن نمی‌توان آثار بزرگانی چون قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی، هلالی جغتایی، عبدالرحمن جامی، صائن الدین ابن ترکه، میرمخدوم نیشابوری، امیرعلیشیر نوایی، شرف‌الدین علی یزدی و سایر ادبا، عرفا و شعرای این قرن را نادیده گرفت.

عصر تیموری دوران گسترش اندیشه‌های صوفیانه و رونق خانقاه‌ها و حلقه‌های ذکر است؛ تصوف نه تنها در گستره عوام، بلکه در خواص جامعه از جمله حکمرانان و امرای تیموری نفوذ کرد و به بالاترین رده‌های سلطنتی نیز رسید. از آنجاکه تیمور جنگجویی سیاسی و ابن وقت بود از هر فرصت و ابزار ظاهری و باطنی برای رسیدن به اهداف خود بهره‌می‌برد. او حکومت خود را مدیون انقباس قدسی مشایخ صوفیه می‌دانست؛ وی محضر شیخ شمس‌الدین فاخوری را درک کرد و در خراسان به زیارت شیخ ابوبکر خوافی نائل شد و در بحبوحه قدرت، مغلوب هیمنه و قدرت باطنی سیدمحمد برکه گردید. (سمرقندی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۴۱۵؛ الشیبی، ۱۳۸۷، ۱۵۸) از تیمور چنین نقل شده است: «بر دل‌های اصحاب قلوب رفتم و از ایشان در یوزه همت نمودم و از انقباس متبرکه ایشان التماس فاتحه کردم». (حسینی، ۱۳۴۲: ۱۶۶)

آنچه از رفتار ظاهری و سیاست تیموریان برمی‌آید دال بر احترام ویژه آنان به مشایخ صوفیه، ساخت خانقاه‌ها و وقف املاک جهت گذران امورات این اماکن و استمداد از همت پیران طریقت است؛ تیموریان از نزدیکی به تصوف بهره‌های فراوان بردند و تصوف نیز از این آشفته بازار بی‌نسیب نماند و تسامح و تساهل مذهبی عصر تیموری، باعث گسترش تصوف گردید؛ به عبارتی می‌توان خدمات این دو طایفه را متقابل دانست.

در بین شخصیت‌های تراز اول عصر تیموری، شرف‌الدین علی یزدی به عنوان مورخ، منشی، سیاستمدار و مشاور این خاندان دارای جایگاه ویژه‌ای است. ظفرنامه به عنوان ارزشمندترین اثر وی تاکنون به جهات عدیده تاریخی و ادبی مورد توجه‌اندیشمندان و محققین بوده و درخشش این شاهرکار تاریخی آنچنان است که وجوه علمی و عرفانی شخصیت او در محاق قرار گرفته‌است.

پیشینه و اهداف پژوهش

تحقیقات صورت‌گرفته حول شخصیت تاریخی و ادبی شرف‌الدین علی یزدی خصوصاً با محوریت ظفرنامه بسیار است حتی ترجمه این اثر به چندین زبان زنده دنیا باعث شد پژوهش‌هایی در این خصوص در سایر کشورها نیز صورت گیرد. در همین راستا تلاش‌های بی‌وقفه محقق فقید، یزدشناس و نسخه‌پژوه عالیقدر، مرحوم ایرج افشار در تصحیح و چاپ «منظومات» و «منشآت» شرف‌الدین در معرفی ابعاد علمی و ادبی این دانشمند بزرگ نقش به‌سزایی داشته لیکن به سبب عدم شناخت و معرفی یگانه‌اثر عرفانی وی، رساله «التوحید من نفس الرحمن»، جنبه عرفانی این شخصیت بزرگ تاکنون مغفول مانده و نیازمند بررسی و تبیین است. در این مختصر، سعی بر آنست با تأکید بر آرا و اندیشه‌های عرفانی شرف‌الدین، مستخرج از رساله صحیح‌التساب فوق، منظومه‌فکری و شاکله عرفانی وی ترسیم و معرفی شود.

نام، نسب و لقب

شرف‌الدین علی بن ضیاء‌الدین ابی‌بکر حسین بن علی یزدی از مشاهیر، رجال سیاسی و دیوانی و از شعرا، مورخین و دانشمندان عهد تیموری است (علی یزدی، ۱۳۸۶: ۵)؛ نخستین بار نام او در کتاب تاریخ یزد، تألیف جعفرین محمدبن حسن جعفری به چشم می‌خورد و بعد از آن در سایر مراجع تاریخی به وفور ذکر او رفته‌است. تشابه اسمی شرف‌الدین علی یزدی با دو شخصیت دیگر به نام‌های شرف‌الدین علی طیب و شرف‌الدین علی بافقی که در یک بازه زمانی از مشاهیر یزد بوده‌اند باعث خطا در انتساب آثار و اقوال آنان شده که حتی بعضی از محققین این عرصه را به اشتباه واداشته‌است. لقب شرف‌الدین علی یزدی را «مخدوم» ذکر کرده‌اند و شاهرخ، حکمران تیموری وی را «جناب مخدومی» خطاب می‌کرد و در شعر به «شرف» تخلص می‌نمود. (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰، ج سوم: ۱۵)

در جامع مفیدی وی را «اشرف فضلالی ایران و الطف علمای دوران، جامع کمالات صوری و معنوی، علم گشته به کمال دانش و سخنوری و به جمال فطنت و هنرپروری و در گذشته از امثال و اقران» معرفی می‌کند. (همان: ۲۹۹) و صاحب تذکره نصرآبادی از وی چنین یاد کرده‌است: «از جمیع علوم بهره‌ وافی برده و آب حیات معانی از چشمه فیوضات ربانی خورده، در ترتیب نظم و نشر کمال قدرت را داشته، چنانچه ظفرنامه و حلال مطرز و کنه‌المراد شاهدهی است در این معنی». (نصرآبادی، ۱۳۷۹: ۷۵۹) مرحوم ذبیح‌الله صفا به نقل از جامع مفیدی، پدر شرف‌الدین علی‌را، شمس‌الدین علی یزدی معرفی کرده و به اختلافات در این مورد اشاره کرده‌است لیکن مرحوم ایرج افشار براساس سایر منابع تاریخی، پدر شرف‌الدین را ضیاء‌الدین ابن ابی‌بکر حسین بن علی یزدی می‌داند؛ (علی یزدی، ۱۳۸۶: ۵) که بزرگ‌خاندان و رئیس طایفه شرفی است. (صفا، ۲۵۳۶ ش: ۳۰۰ و ۲۹۹)

ولادت، وفات و مدفن

بر اساس تنها گزارش موجود در کتاب تاریخ جدید یزد، تولد شرف‌الدین حوالی دهه ۷۹۰ هـ.ق. در شهر تفت ذکر شده‌است. (کاتب، ۱۳۴۵: ۲۷۴ و ۲۷۳) در مورد تاریخ وفات و مدفن او اتفاق نظر وجود ندارد؛ مولف تاریخ جدید یزد این واقعه را در جریان قحطی بزرگ یزد می‌داند و می‌نویسد «چون سال ثمان و خمسین و ثمانمائه درآمد در یزد قحطی واقع شد و باران نبارید و آب چشمه‌ها خشک شد، ... و در این سال بیشتر اکابر یزد درگذشتند ... و هم در این سال جناب فضائل مآب مخدوم و مولانا اعظم افتخار‌العلماء العرب و العجم، صاحب اللطف و الکریم و الجود و النعم، شرف‌المله و الدین علی یزدی، نورالله مرقد، درگذشت و اکابر و اهالی دین و دولت بر موت او تأسف خوردند». (همان: ۲۷۱) خواندمیر، وفات شرف‌الدین را در سال ۸۷۵ هـ.ق (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۱۶)، هدایت، سال ۸۵۶ هـ.ق (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۸۵) و راقم، سال ۸۵۸ هـ.ق. ذکر کرده‌است (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۵۸). مدفن شرف‌الدین در مجالس النفائس و مطلع سعدین و مجمع بحرین، خانقاه تفت ضبط شده- است. (نوابی، ۱۳۶۲: ۲۰۰) اما کاتب و مستوفی، مرقد وی را کنار مزار پدرش در مدرسه شرفیه جنب مسجد امیر چخماق معرفی می‌کنند (کاتب، ۱۳۴۵: ۲۷۳؛ مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۴۰: ۳۰۳) و محققین معاصر مدفن او را کتابخانه عمومی «شرف‌الدین علی یزدی» واقع در چهارراه امیر چخماق شهر یزد می‌دانند که سنگ یادبود وی در این مکان موجود بوده و در بازسازی کتابخانه از بین رفته‌است. (فتوحی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۰) علی‌هذا پس از بررسی نقشه‌های قدیمی و کسب اطلاع از معمّین محلی مشخص شد؛ کتابخانه عمومی شرف‌الدین علی یزدی در محل مدرسه شرفیه بنا شده و خیابان موجود- خیابان امام خمینی (ره) - بر روی بخشی از مدرسه شرفیه احداث شده و حد فاصل این مکان و مسجد امیر چخماق می‌باشد از این رو به‌جز نظر اول هر سه مورخ دیگر اشاره به محل واحدی دارند.

اعتقادات مذهبی

اعتقادات مذهبی، موضوعی باطنی بوده و در طول تاریخ خصوصاً در بین بزرگان و معاریف به سبب فشار حکومت‌ها و قشریون، تقیه و کتمان عقاید دیده شده است لذا کشف مکنونات قلبی اشخاص به سهولت ممکن نبوده ولی در مورد شرف‌الدین علی یزدی به مدد آثار به جای مانده از وی، می‌توان به صراحت رأی به تشیع او داد.

«بد بخت کسی که گشت محروم از حب رسول و آل معصوم

کانست و سبیله سعادات والحمد لواهب العطیات»

(یزدی، نسخه خطی: ۴ پشت)

و در جای دیگر چنین می‌سراید:

«تو را چه غم که دلت دوستدار حب کسی است که حب اوست کلید در مسلمانی

علی، به حب علی کوش و دوستی علی کزین علاقه سلیمانی است و سلمانی

چه شکر گویمت ای کارساز بنده نواز که داشتی به من این دوستی ارزانی»

(صفا، ج ۴، ۲۵۳۶ ش: ۳۰۰)

هرچند ممکن است بعضی به زعم آنکه شرف‌الدین در چند محل از باب احترام به تعصبات مذهبی تیموریان و عقاید سایر مسلمین نسبت به یاران حضرت رسول (ص)، ادای احترام نموده، وی را در زمره اهل سنت قلمداد کنند اما براساس مبانی شیعه‌شناسی و سایر شواهد و قراین به ضرس قاطع می‌توان به تشیع وی گواهی داد.

عرفان و تصوف

تفرق و تشعب در تصوف عهد تیموری و ظهور اولین گرایش‌های شیعی، باعث گشودن منظری نو در عرفان و تصوف اسلامی شد. تفکرات و تندروی‌های طریق و نهضت‌های شیعی مانند نوربخشیه، حروفیه و مشعشعیه در مقابل تعصبات افراطی سلاسل سنی مذهب نظیر نقشبندیه باعث تشتت و تضارب آرای عرفانی گردید.

سیاست تیموریان همواره گرایش به تصوف به صورت عام و تقویت طریقت نقشبندیه به صورت خاص بود. آنان از قدرت‌گیری و ایجاد نهضت‌های شیعی صوفیانه در قلمرو خود به شدت و اهمه داشتند. آنچه باعث حفظ تصوف شیعی و جلوگیری از اضمحلال ظاهری و باطنی جامعه تصوف شد، وجود اشخاص ذی نفوذی در بین عرفای آن عهد از جمله شرف‌الدین علی یزدی است که به نقش وی

در حفظ و اعتلای تصوف شیعی در عهد تیموری پرداخته نشده؛ حضور او در دربار تیموری به عنوان مورخ، مشاور و ناصح در رأس امور، باعث تنش‌زدایی بین حکام و عرفا و دلگرمی اهل تشیع و اشاعه تصوف گردیده است.

هرچند مناصب درباری و نزدیکی اهل حکومت در جوانی و میانسالی در حالات و روحیات وی بی تأثیر نبود ولی فطرت خداجو، جوهره باطنی، تربیت خانوادگی و مؤانست و مجالست با اولیاء الله، باعث انقلاب معنوی در او شد. تصوف که میراث خانوادگی شرف‌الدین است با ارادت پدر به سلسله مشایخ صوفیه از شیخ علی بلیمان و شیخ‌اندیان تا شیخ دادامحمد آغاز و با دل‌بستگی شرف‌الدین به خدمت و عبادت در مزار اندیان و در نهایت سرسپردگی به شاه نعمت الله ولی ادامه پیدا کرد. (آیتی، ۱۳۱۷: ۲۰۲) صاحب الذریعه در ذکر شرف‌الدین و خاندان او می‌نویسد: «کان ابوه مریداً لشیخ‌اندیان و علی بلیمانی من صوفیه یزد و کان هو مریداً لملاحسین الاخلاطی الحروفی و هذا ما جعله بخواص الحروف». (طهرانی، ج ۹، ۱۴۰۲ هـ.ق: ۵۱۷)

در جامع مفیدی پس از نقل کرامات و مکاشفاتی از شاه نعمت الله ولی به نقل ملاقات وی با سیدحسین اخلاطی می‌پردازد که در این ملاقات شرف‌الدین علی یزدی در ملازمت او بوده است. «نقلی است صحیح که هم در کنار رود نیل حضرت ولایت، منقبت را با سیدحسین اخلاطی اتفاق صحبت افتاد. کیفیت آن بر سبیل اجمال آن که در آن ایام، در دریای ابرار، شاه قاسم انوار و جناب خواجه صاین الدین ترکه و اشرف العلما و افضل الفضلاء مولانا شرف‌الدین علی یزدی و پیر تاج گیل با آن حضرت رفیق طریق بودند». (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۶؛ سمرقندی، ۱۳۳۸: ۲۸۶)

به جز موارد مذکور، اقوال دیگری نیز مبنی بر نزدیکی و ارادت شرف‌الدین علی یزدی به شاه نعمت الله ولی دیده می‌شود؛ خصوصاً در ذکر خانقاه تفت که بانی آن شاه نعمت الله ولی بوده و زاویه و خلوتخانه‌ای جهت شرف‌الدین در نظر گرفته می‌شود و به کتیبه‌ای به شرح ذیل مزین است: «و بر طرف صفة عالی که مذکور گشته خلوتخانه عالی جناب مولانای اعظم مقتدای اعلی اکرم حمید سلطان العلما و الحکما و الفضلا و الشعرا الکاملین، وارث علوم الانبیاء المرسلین، الواصل برحمة الله الولی شرف‌المکه و الدین علی قدس سره است». (کاتب، ۱۳۴۵: ۲۱۷)

آثار و تألیفات

هرچند عمده شهرت شرف‌الدین به سبب کتاب معروف تاریخی ظفرنامه است ولی تسلط او بر اغلب علوم زمان خویش باعث گردید، آثار و تألیفات متعدد دیگری نیز از وی به یادگار بماند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

ظفرنامه

بی‌شک مشهورترین اثر مولانا شرف‌الدین علی یزدی «ظفرنامه تیموری» است. این کتاب به سفارش و حمایت ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ به رشته تحریر درآمد و در رده‌بندی آثار بزرگ تاریخی چون تاریخ طبری، تاریخ مسعودی، تاریخ بیهقی و جهانگشای جوینی و مشتمل بر تاریخ ایران و منطقه در سده هشتم و نهم هجری است. متن آن به تقلید جهانگشای جوینی مسجع، مطول و دارای نثری فنی می‌باشد. این کتاب از مراجع اصلی کتاب‌های تاریخی بعد از خود چون روضه الصفا و حبيب السیر بوده؛ در قراین متنی، مصنف، کتاب را فتح‌نامه خوانده اما تمامی مورخین ایرانی و خارجی این کتاب را متفق القول، ظفرنامه خوانده‌اند و علت آن تشابه مضمون آن با کتاب ظفرنامه شامی بوده است. (یزدی، ۱۳۳۶: ۱۹ و ۱۴؛ بهار، ۲۵۳۵ ش، ج ۳: ۱۹۴ و ۱۹۳) ضبط کامل اسامی، ذکر تاریخ دقیق رویدادها و مشخص نمودن حدود جغرافیایی از نقاط قوت کتاب ظفرنامه بوده که باعث ماندگاری و استنادات فراوان به آن می‌باشد. (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۱)

حلال مطرز در معما و لغز

از آنجایی که اوج تصنع و تکلف نظم و نثر فارسی در قرن نهم می‌باشد، روی آوردن به فنون پیچیده ادبی مانند معما نیز مورد توجه ادبا و شعرای این عهد قرار گرفت و شرف‌الدین نیز چون در فن معما، حساب جمل و علم اعداد دست‌داشت، در این باره نیز به نگارش آثاری در خور پرداخت و تا آنجا پیش رفت که از او به عنوان پدر علم معما یاد کرده‌اند. هرچند در گذشته نیز این فن، اساتید و طالبانی داشته لیکن اثر شاخص «حلال مطرز در معما و لغز» شرف‌الدین، نقطه عطفی در این علم به حساب می‌آید. این اثر همراه رساله حلیه حلال جامی و رساله سیفی بخاری سه رکن اصلی علم معما هستند که حلال مطرز الگو و محرک فکری دو رساله دیگر است.

منتخب حلال مطرز

این اثر، تلخیص و گزیده رساله حلال مطرز در معما و لغز می‌باشد که انتخاب آن، توسط مؤلف، صورت گرفته است و بعضی سهواً به نورالدین عبدالرحمن جامی نسبت داده‌اند؛ حال آنکه رساله جامی، تحت عنوان حلیه حلال، متمایز بوده و توسط نسخه پژوه معاصر، استاد نجیب مایل هروی تصحیح و چاپ شده است.

دیوان اشعار

چند نسخه خطی از دیوان اشعار شرف‌الدین در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی ملک و کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد موجود می‌باشد. هرچند تعداد دیگری از اشعار شرف‌الدین در کتاب تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد و چند جنگ و تذکره دیگر به صورت پراکنده چاپ شده لیکن دیوان اشعار این شاعر بزرگ تاکنون به صورت کامل جمع آوری، تصحیح و به زیور چاپ آراسته نشده است.

کنه المراد فی علم الوفق و الاعداد

رساله ایست در وفق اعداد و خواص خطوط، شامل جداول عددی و حروفی موسوم به وفق در ریاضی در یک مقدمه و سه لوح و یک خاتمه و هر لوح در پنج فصل. نسخ خطی این رساله در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، ملی، مجلس، مرعشی نجفی و آستان حضرت معصومه، نگهداری می‌شود. از این رساله نیز منتخب و خلاصه‌ای احتمالاً توسط خود مؤلف تهیه شده که نسخ خطی آن نیز موجود است.

شرح قصیده برده بوصیری

قصیده ایست معروف در مدح حضرت رسول (ص) اثر شاعر مصری شرف الدین محمد بن سعید بن حماد صنهاجی معروف به بوصیری با مطلع:

امن تذکر جیران بذی سلم مزجت دمعا جری من مقلد بدم

که تاکنون شروح بسیاری بر آن نوشته شده، شرف الدین علی یزدی نیز شرحی بر آن نگاشته، که این رساله به سلطان محمد بهادر تقدیم شده است؛ نسخی از این اثر در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی و مرعشی نجفی نگهداری می‌شود.

منشئات

شامل نامه‌ها، رسائل کوتاه، مکاتیب از زبان عده‌ای از رجال و ... که مرسوم منشیان و ادبای قدیم بوده است. این اثر براساس نسخ خطی موجود در کتابخانه دانشگاه کمبریج، مجلس شورای اسلامی و مجموعه وحید پاشا توسط مرحوم ایرج افشار تصحیح و به زیور چاپ آراسته شده است. (یزدی، ۱۳۸۸: ۱۱)

رساله عقد انامل

این رساله به نام‌های دیگری چون حساب العقود، انگشت شماری، حساب انگشت و حساب عقود انامل در میان فهرس نسخ خطی دیده می‌شود. موضوع آن در ریاضیات، اعداد و حروف است از این رساله نیز نسخ مختلفی در کتابخانه‌های مجلس، ملک و آستان قدس رضوی موجود است.

رساله الشهودیه

آنچنان که از نام آن پیداست رساله ایست عرفانی که صرفاً یک نسخه از آن در کتابخانه ملی ملک به شماره ۱۱۲۳ محفوظ است.

فتوحات صاحب قرانی

شرف الدین درباره فتح تیمور نوشته‌ای چند صفحه‌ای دارد که با چند عنوان مختلف شهرت گرفته و هیچ‌گاه همراه نسخ ظفرنامه استنساخ و کتابت نشده که جزئی از آن محسوب گردد و فهرست‌نگاران، متنی مجزا به‌شمار آورده‌اند و همان است که در مجموع منشآت او دیده می‌شود. (یزدی، ۱۳۸۸: ۹)

تحفه الفقیر و هدیه الحقیق

منتخبی است از اشعار عربی و فارسی که بنا به نقل کارل استوری نسخه‌ای از آن در کتابخانه بهار هندوستان به شماره ۴۳۱ نگهداری می‌شود. (یزدی، ۱۳۸۶: ۸)

شرح اسماء الله

از آن صرفاً عصام الدین اورنبایف مصحح ازبکستانی ظفرنامه یاد کرده‌است. (یزدی، ۱۳۸۶: ۸)

شامل

این رساله در وفق اعداد و ریاضیست که یک نسخه از آن در کتابخانه ملی ملک به شماره ۳۰۹۷ محفوظ است.

حقایق التهلیل

این رساله مقدمه‌ایست بر دیوان حافظ که صرفاً مرحوم سعید نفیسی به آن اشاره کرده‌است. (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۴۹)

الکتاب فی علم الاسطرلاب

این رساله نیز صرفاً توسط مرحوم نفیسی معرفی شده‌است. (همان: ۲۴۹)

رساله التوحید من نفس الرحمن

رساله فوق در زمره تهلیل‌های عرفانی محسوب شده و در دو بخش مقدمه و متن علاوه بر جنبه‌های عرفانی حاوی مباحث حروفی، عددی، کلامی و فلسفی می‌باشد. در واقع مؤلف محترم با هدف شرح و تفسیر باب التهلیل کتاب مستطاب فتوحات المکیه، خود نیز مقدمه مفصلی بر آن نگاشته که با عنایت به گستره دانش و تسلط کامل مؤلف بر علوم مختلف عصر خویش، این دیباچه به تنهایی رساله‌ای کم‌نظیر بوده و از آن‌جا که تهلیلیه ابن عربی از ابتدا تاکنون مورد توجه و تحقیق عرفان پژوهان قرارنگرفته بر نوآوری و ارزش کار مؤلف افزوده‌است.

این رساله در فهرس تحت عناوین دیگری چون ادله توحید، رساله تهلیلیه مولانا شرف الدین و کتاب توحید ثبت و ضبط شده است.

آرا و اندیشه‌های عرفانی شرف‌الدین علی یزدی

ابعاد شخصیت عرفانی شرف‌الدین از آن جهت قابل توجه است که توغل وی در کسب معلومات مانع ورودش به درک ذوقیات نشده و رویکرد او به عرفان و تصوف، مانع حضورش در اجتماع و سیاست نبوده و همواره و در همه حال جانب اهل خدا نگاه داشته و در میان صاحبان قدرت ظاهری نیز محترم بوده است. در این مجال کوشش شده است مؤلفه‌های محوری شخصیت عرفانی شرف‌الدین ذیل رساله التوحید من نفس الرحمن استخراج، تبیین و بررسی گردد.

الف) خداشناسی

خداشناسی براساس آموزه‌های قرآنی، فطری بوده و هر شخص به اقتضای وجودی خویش در مرحله‌ای از این شناخت قرار دارد. تصور و درک عارف از حضرت حق جل و اعلی به گفتار ناید و به تناسب مراتب سلوک و عنایت حضرت باری تعالی متفاوت بوده و چون امری درونی است قابل دسترسی و واکاوی، جهت غیر نمی‌باشد؛ اما براساس آثار به‌جای مانده از ایشان می‌توان بخشی از این شناخت را تبیین نمود.

اسماء و صفات الهی

شرف‌الدین در تفسیر کلام ابن عربی به نقل از صوفیه، اسم را این‌گونه معرفی می‌کند: «و چون به اصطلاح صوفیه اسم عبارت از ذاتست با خصوصیتی، معین؛ مانند دانش مثلاً عالم یا علیم دال بر آن فرموده». (یزدی، نسخه خطی: ۲۲ رو) او در بیان یکتایی ذات حضرت حق، می‌نویسد: «یکتایی ذاتی مؤثر حقیقی، جل جلاله آثار بی‌شمار بر دوام و استمرار، سالم و بری از انعدام و تکرار ظاهر می‌شود...». (همان: ۲۲ رو) وی اسم اعظم «هو» را معرف ذات می‌داند و ویژگی‌هایی برای این ذکر از لحاظ قواعد عربیت، لطایف احصایی و آوایی مترتب است و چنین برمی‌شمارد.

« کلمه هو که مفهوم ازو بوضع متعارف فردیست غایب و پوشیده از نظر حاضران که گفت و گویند، مبتدا واقع شده که مقتضی مرتبه‌اش تقدم است و ارتفاع و امتناع از نفاذ حکم دیگری بر او با استقلال در دلالت مطابقی بر ذاتی مطلق مجرد از ملاحظه امری با آن که اسمیت لازم است ابتدائیت را». (همان: ۱۸ رو) وی معتقد است اسم اعظم «هو» همان اسم جامع «الله» است در حریم عزت و عظمت ذاتی؛ «... بذكر الله یاد از آن می‌رود فی الحقیقه، همانست که در حریم عزت و عظمت ذاتی از

نظر ادراک و آگاهی غیر، مطلقاً پنهانست و بیش مراحل و منازل متجاوز از حدود تعیین و گمان چنانچه اعاده ذکر «هو» با اسمین العلی العظیم ...» (همان: ۱۵ رو)

تشبیه و تنزیه

شرف‌الدین معتقد به تشبیه و تنزیه، منفرداً نبوده و طرفداران هر یک را تقبیح نموده‌است. وی مقیدان به تنزیه را حافظ مصطلحات می‌داند، نه وارث انبیاء و با استناد به آرای ابن عربی منزّهان را مکذب حق تعالی (همان: ۱۷ رو)، او برای اثبات مدعای خویش در این فقره نیز از رموز اعداد و حروف بهره‌جسته: «از خواص ارجمند عدد، آنست که بر ضمّ بعضی از آن یا بعضی مجموع را صورتی وحدانی حاصل می‌شود که البته آن را خاصیتی چند که غیر او را نباشد، باشد؛ بی‌آنکه تغییر به اجزاء اصلی و وحدت ذاتی هر یک راه‌یابد برخلاف مرکبات عنصری و این خصیصه در مرآت عقول دانایان سرّیست که عرفا بر سبیل رمز و ایما تعبیر از آن به تنزیه در عین تشبیه فرموده‌اند.» (همان: ۱۲ پشت) همان‌گونه که در عبارت فوق ذکر شد وی معتقد به تنزیه در عین تشبیه و قائل به حفظ تعادل بین این دو امر است.

توحید

توحید، بنیادی‌ترین اصل اعتقادی در اسلام به‌شماررفته و اغلب اندیشمندان اسلامی بر تبیین، تعریف و ذکر مراتبی برای آن کوشیده‌اند. شرف‌الدین نیز در ذکر ادله توحید دریغ نورزیده و سعی بر بیان ارتباط بین توحید و ۳۶ آیه تهلیل دارد. «چون ۳۶ که شماره مواضع ورود توحید است بنفی غیر، در قرآن مجید، عشر درجات افلاکست.» (همان: ۱۰ رو)

شرف‌الدین با اشاره به قولی از خواجه عبدالله انصاری در منازل السائرین، توحید را «استسعاد عباد به دریافتن یگانگی معبود بحق وحده لاشریک له و باور داشتن که اگر آن نبودی این نمودی و موجب حرمان بدبختان گمراه از آن سعادت اشتباه نمودنست به بودن و عدم تمییز و تفرقه»، می‌داند (همان: ۱۰ رو). و در تبیین کلام ابن عربی، موحد حقیقی را چنین معرفی می‌کند: «که توحید و یگانگی واحد است، سبحانه بنفی غیر و غیر هیچ نیست و از نفی، منفی اثبات لازم آید پس چنان‌که واحد حقیقی حضرت حق است، تعالی و تقدس، موحد نیز فی‌الحقیقه همو باشد.» (همان: ۱۰ رو) وی همچنین تقسیم‌بندی سی و شش‌گانه توحید براساس آیات قرآنی، دارای ذکر شریفه «لااله الاالله» - تهلیل - که اول بار توسط ابن عربی صورت‌گرفته را شرح و تفسیر می‌کند.

هستی‌شناسی

عمده نظرات و آرای شرف‌الدین حول محور اصلی وجود و حقیقت هستی است. او کوشیده است با استناد به اندیشه‌های ابن عربی به ذکر مراتب تجلی، اقسام هستی، وحدت وجود، مراتب هستی و آفرینش جهان پردازد و برای رسیدن به هدف خود از استشهادات قرآنی، احادیث نبوی، فلسفه و علوم غریبه نیز بهره‌برده است.

اقسام هستی

شرف‌الدین هستی را بر دو قسم دانسته یکی وجود «بذاته، لذاته» که همان ذات حضرت حق سبحانه بوده و دیگر، وجودی معلول و مقید که از اولی ناشی شده که همان ماسوی الله است؛ وی وجود بذاته، لذاته را ناشی از علم حق به ذات خود می‌داند.

«... این معنی که از علم حق سبحانه بذات خود که محققان صوفیه تعبیر از آن بذاته لذاته فرموده‌اند؛ هر چه در نشأتین بدئی و معادی پرتوی از هستی برو تافته یا خواهد تافت از معلومیت بالتبع ثبوتی علمی یافته که از آن یافته». (همان: ۶ پشت)

ما سوی الله نیز بر دو قسم است آنچه متعین شده و دیگر، که عینیت نیافته و در علم خدا ثبوت دارند. این تنزل علو را این گونه بیان می‌کند: «برحسب حکمت باهره در تنزل از علو، به ثبوت علمی بعد از تعینی عقلی و تمثلی خیالی و تشخیصی عینی، تکوینی معبر به وجود خارجی می‌یابند». (همان: ۲۵ پشت)

وحدت وجود

یکی از مفاهیم اساسی عرفانی که به نام ابن عربی شناخته می‌شود، وحدت وجود یا وحدت هستی است؛ وحدت وجود بدان معناست که «عالم با تمام اختلافاتی که در اشکال و صورت‌های کائنات آن هست، چیزی نیست الا مظاهر گونه‌گون حقیقتی واحد که همان وجود الهی است». (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۱۸) بعضی از محققین معتقدند که ابن عربی از واژه وحدت وجود در آثار خود استفاده نکرده و خلق این اصطلاح به عرفای قبل از ابن عربی مانند حلاج نسبت داده شده و عمده کاربرد آن توسط پیروان و شارحین آثار ابن عربی به چشم می‌خورد اما خود وی نیز حداقل دو مرتبه در کتاب فتوحات المکیه صراحتاً به آن اشاره کرده است. (جهانگیری، ۱۳۷۵: ۲۶۳)

شرف‌الدین مفهوم وحدت را این گونه بیان می‌کند: «مفهوم از وحدت و یگانگی، مقتضی آنست که جز متصف به او هیچ نباشد و از این روشن گردد که واحد بوحدت حقیقی تعالی و تقدس به اطلاق ذاتی بری از تغیر و تبدل ازلا و ابداً معلوم غیر نگردد اصلاً». (یزدی، نسخه خطی: ۶ پشت) وی در

مباحث احصایی قایل به دو گونه وحدت است: «واحد عددی را از آن حیثیت که اول سلسله مترتبه احصایی، واقع شده، دو گونه وحدت و یگانگی هست: ذاتی و رتبی». (همان: ۱۲ پشت) شرف‌الدین معتقد است که وحدت ذاتی در ضمن کثرات رتبی «مخفی العین، ظاهر الآثار» است و از نخستین تکرار او، وحدت رتبی، تکثر پذیرفته و واحد با ابقای کثرت نوعی دیگر از وحدت حاصل می‌شود که از آن به مرتبه عشری، مشعر به شعور و آگاهی یاد می‌کند. (همان: ۱۲ پشت) او ضمن اعتقاد راسخ به «وحدت وجود» به دنبال توجیه آفرینش است. «حضرت آفریننده را سبحانه و تعالی وحدت و یگانگی ذاتی است و آفریدن را تعدد و تکثر لازم و این دو امر محقق را اقتضا تحقق امری که جمع وحدت و کثرت باشد، مقتضای حقیقت او و تعبیر از آن به لفظ نسبت، اشتها یافته و جزئیاتش لاتعداد، لاتحصی و از اقتضاء جمعیت مذکورست که نسبت وحدتی، بوحدتی مثلاً که ابط از این متصور نیست». (همان: ۱۱ رو)

مراتب هستی

شرف‌الدین با آن که وجود حقیقی را واحد می‌داند و منز و مبرا از تغیر، لیکن کثرات را تجلی ذات حق و دارای ثنویت اعتباری و ثانی حقیقی، در تفسیر او چیزی نیست جز همان مخلوق اول (همان: ۸ رو)؛ وی از این سلسله مباحث به حضرات شش از مجالی پنج می‌رسد که در مصطلحات صوفیه از آن یاد شده و از آن‌جاکه نخستین حضرت مجلی ندارد و از آن مجهول مطلق نام‌برده‌اند لذا اول حضرت در علوم حقیقی را «حضرت الهیت» نامیده: «که منشأ افاضه رحمت ایجاد می‌کند که پیدایی هر پیدا از آثار آنست، حضرتیست که از مسخران احکام عقول و اوهام پنهانست». (همان: ۸ پشت) وی در ادامه، خصایص حضرت نخستین را این‌گونه بیان می‌کند: «جمع اضدادست و حکمش، ساری در مجاری سایر حضرات و موطن». (همان: ۹ رو) شرف‌الدین طبق روش معمول خود در بیان مراتب هستی نیز از استشهادات قرآنی بهره‌جسته و به تبیین آن پرداخته البته پر واضح است با صبغه وحدت وجودی وی، مرکز توجه، حضرت نخستین می‌باشد.

قوس نزول و قوس صعود

با ظهور ابن عربی آموزه جدیدی در فهم هستی و تحلیل آفرینش تحت عنوان «حرکت حبی» مطرح شد. بر این اساس تمام گونه‌های حرکت در نظام هستی بر محور حب، مستدیر و بی‌سکون است، در این اندیشه، هستی حاصل حب حضرت حق به ظهور و پیدایی است، این حرکت دارای دو مرحله نزولی و صعودی است که به قوس نزول و قوس صعود شهرت دارد. شرف‌الدین نیز معتقد است که هستی از صادر اول به پیدایی رسد و این پیدایی بیرون از حیز امکان و منز و مقدس از زمان و مکان و دارای حرکت مستدیری است. (همان: ۲۹ رو)

وی انبساط ذاتی نور را از حب ظهور و حرکت ظاهری و باطنی هستی را بالضرور دوری و حاصل توجه حبی می‌داند. (همان: ۲۹ رو) و چون معلولیت را مقتضی محاطیت می‌داند لذا چهار عالم را چنان متصور است که صورتش مجسمی واحد است؛ او نخستین جنبش را اسرع و اشمل حرکات دانسته و حکمت جنبش دوم را تصویر توجه قوایل باستقبال فاعلی که از شأن مبدع اعظم اعلی حرکت مذکور است و به همین ترتیب تا وادی کثرات ادامه دارد و حصول هیکل وحدانی عالم از مستدیر را چون بر وفق کلمات انسانی، تمثلی خیالی و تشخیصی عینی یافته، مجسم گردد، جسم کل داند. (همان: ۲۹ رو)

وی مراتب هستی را در قوس نزول چنین به نظم کشیده است:

« ظلش عـبـارتی مثالی	افتد، بخیال شـنـخـص حـالی
وانگـاه بصـورت کلامی	ظـاهـر چـو شـود کلام نامی
این قوس نزولی است اینجا	چون در عالم نموداشیا
از غیب بطون چو گشت نازل	طی کرده منازل و مراحل»

(همان: ۶ رو)

و در ادامه، قوس صعود را بیان نموده است:

«ظـاهـر شـد و جـسـت بازگردید	زانجا سوی گوش هر که بشنید
تا باز بانـدرون شـتابد	سود سـفـرش حـصول یابد
در راه عـبـارت خـیـالی	افکنده بدل شتافت حـالی
پـاکیـزه چنانکـه بـود از اوّل	شد قوس رجوع هم مکمل»

(همان: ۶ رو)

جهان‌شناسی

جهان‌شناسی شرف‌الدین بر مبنای تجلی استوار است؛ تجلی آشکار شدن ذات مطلق حق و کمالات او پس از تعیین برای خود او یا برای غیر اوست به نحوی که تباین، تجافی، حلول یا اتحاد لازم نیاید. وی عالم را جز نمایشی مترتب بر ظهور اسمای حسنی بر سبیل تجدد و انصرام نمی‌داند و به عبارت دیگر، خلقت جهان را که ناشی از تجلی حضرت حق بوده، حاصل امر «کن» می‌داند. (همان: ۶)

رو) و مصنوعات الهی را شأنی از شئون ذاتی حضرت و ماسوی الله را اعتباری، طاری و جاری می‌شمارد.

«از قول کن و سماع اشیا پیدا شده، هر چه هست، هر جا
وین رفت که هست، شی مطلق شأنی ز شئون ذاتی حق»
(همان: ۶ رو)

و در جای دیگر:

«دانی که ز صنع او تعالی هر چیز که می‌شود، هویدا
حیوان و جمادی و نباتی شأنی بود از شئون ذاتی
یکتایی ذات بی‌تغییر شان را نه نهایت ار تکثر
کثرت مشمر جز اعتباری امریست که طاریست و جاری»
(همان: ۵ رو)

عشق و آفرینش

شرف‌الدین مقتضیات ذاتی هویت مطلقه غیبیه، را تعیین به خصایص کمالی می‌داند که این تعیین در مجالی صفاتی و افعالی و به صورت تجلیات آنی لایزالی و بری از تناهی صورت پذیرفته‌است و با استناد به حدیث معروف کنز توجه حبی حضرت باری تعالی را فاتح گنج رحمت ایجاد می‌کند و علت آفرینش و تجلی را عشق می‌داند. (همان: ۲۰ پشت) بدیهی است این عشق دو جنبه داشته و دو سویه است از طرفی حضرت خالق، معشوق، محبوب و مطلوب جهان و جهانیان است و دیگر سو، مستفاد از شریفه «یحبهم و یحبونه» (مائده: ۵۴) و حدیث فوق‌الذکر از جانب حضرت حق نیز اقتضای ظهور و تجلی، جهت شناخته‌شدن و محبت مخلوق وجود دارد، لذا آفرینش بر مدار عشق و حرکت حبی صورت گرفته‌است.

نفس رحمانی

نظریه نفس رحمانی نیز به واسطه ابن عربی، معرفی و در مکتوبات عرفانی بعد از او شرح و بسط یافت. در واقع وی کوشید پاسخ این پرسش که اولین جلوه از جلوات حضرت حق که از ذات احدیت نشأت گرفته، چه بوده و ذات باری تعالی چگونه نخستین بار خود را نمایان ساخته، را عرضه کند.

همان‌گونه که نَفَس انسان پس از صدور و خروج از کنه جان و عبور از مخارجی چون حلق و لب و دهان به حروف و کلمات تبدیل شده، ظهور حضرت حق سبحانه نیز هم‌چون نفس انسانی از صقع ربوبی آغاز و در عین بی‌تعینی در برخورد با اعیان ثابت و ماهیات موجودات به آن‌ها، رنگ هستی بخشیده است. لذا عرفا معتقدند که عالم صورتی از نفس رحمانی است.

شرف‌الدین با استناد به باب صد و نود و هشتم فتوحات در بیان معرفت نَفَس و اسرار آن، کوشیده با استشهادات قرآنی و روایی موجود در این بخش وجه تسمیه و تشبیه نَفَس انسانی و نَفَس رحمانی را آشکار سازد و بعد از ذکر حدیث شریف نبوی «لما اشد علیه کرب ما یلاقی من الاعداد ان نفس الرحمن یا تینی من قبل الیمن» و ایراد بسی معارف و تبیین توافقی و تشابه حروف کلمات الله و حروف کلمات متعارف، نموده که صادر از نفس متنفس انسانی است که اکمل نشأت اوست، بیست و هشت حرف، متحقق است چنان‌که صادر از نفس رحمانی که اعیان کلمات الهیه‌اند بیست و هشتست و در ادامه به نقل از همان مرجع به شمارش این کلمات الهی پرداخته است. (یزدی، نسخه خطی: ۷ پشت) وی در بیان ذکر جامع «هو» و اوصاف الهی چنین بیان کرده است: «مقدم اوصافش، الرحمن که نفس باو اضافه شده و چون بی‌نفس حروف را، ظهور متصور نیست و نه بی‌حروف کلمات را از سبق صاحب نفس» (همان: ۱۴ رو) در واقع شرف‌الدین معتقد است: «عالم عبارت از نفس رحمانی است و کلمات بی‌نهایت ربانی از قول حق تعالی تقدس و اسم شامل کامل الواسع جامع سرائر و علایق از ظواهر و بواطن» (همان: ۳۱ رو) وی در تفسیر کلام ابن عربی می‌نویسد: «فی الحقیقه عالم کلمات الله است و نسبت مجموع آن کلمات با نفس رحمانی که از او پیدا شده و می‌شود نسبتی واحد» (همان: ۳۳ پشت)

انسان‌شناسی

مقوله انسان و پیوند آن با خداوند، اصلی‌ترین محوراندیشه عرفا و تجربیات عرفانی آن‌هاست. با ظهور ابن عربی و نظریه بنیادی وی درباره انسان کامل، منظر جدیدی در مبحث انسان‌شناسی عرفانی باز شد. هرچند در پیشینه عرفانی بسیاری از ادیان، از بودا و کنفوسیوس گرفته تا زرتشت و مسیحیت و فلاسفه‌ای همچون افلاطون و ارسطو، قبل از ابن عربی به این موضوع اشاراتی رفته و در بین متصوفه نیز از بزرگانی چون بایزید بسطامی و منصور حلاج مفاهیمی نزدیک به این معنا ذکر شده است، اما اصطلاح «الانسان الکامل» را نخستین بار ابن عربی وضع کرد و به‌کاربرد و پس از وی نیز عزیزالدین نسفی و عبدالکریم جیلی، مفصل به آن پرداختند و ویژگی‌هایی چون جامعیت، وساطت، خلافت، تصرف، غایت و اختیار برای انسان کامل قائل شدند.

شرف‌الدین نیز آدم را جامع اوصاف الهی و احوال کیانی و دیگر خصایص آن می‌داند و با عنایت به لطایف احصایی و ظرایف عددی، انسان کامل را مخلوق نخستین که از جهات امکانی فقر بر کمال

داشته و قبول فیض، توسط او نامتناهی بر دوام و اتصال است، معرفی می‌کند (همان: ۱۴ رو). او بر همین اساس، معتقد است: انسان، «سین»، باشد و متفرد است در تساوی زُبر و بینات. (همان: ۱۴ رو) بر این مبنا زبر، حرف اول در سین باشد، یعنی «س» که برابر شصت است و بینات «ین» باشد که آن هم در ابجد شصت باشد؛ لذا در زبر و بینات، سین که همان انسان باشد، تساوی برقرار است و از آنجا که حروف به مثابه ظاهر و باطن باشد بر متامل در این تعیینات عددی، تطابق مواطن و جزئیات حاصل شود. (همان: ۱۴ رو)

شرف‌الدین دو نوع تقسیم‌بندی برای انسان قائل است: یکی، انسان جنس - نوع انسان - یا انسان حیوان و دیگر انسان کامل؛ وی در بیان انسان حیوان و یا نوع انسان، چنین آورده است: «آنچه دانایان به قوت عاقله و دیگر قوای ادراکی به طریق فکر و اندیشه، دریافته‌اند از حقیقت نوع گرامی انسانی است. اینک مرکبست در موطن شعوری عقلی از دو امر کلی که هر یک از آن را صلوح پدید آمدن در افراد غیرمتناهی هست در موطن ظهوری حسی و انسان را به حیوان ناطق تعریف کرده‌اند و حیوان را به جسم نامی حساس متحرک بارادات و این جز را که اعم است از انسان جنس گویند.» (همان: ۲۵ پشت). و در باب انسان کامل در تفسیر داستان حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام که انسان کامل وقت باشد، چنین بیان می‌کند: در صورت، نوع جامع واسع انسان بود از آن حیثیت که وجه خاص حضرت آفریننده تعالی و تقدس نسبت به او سر کرامتی باشد که در موطن اشعاری به «کلم الله موسی تکلیما» (نساء: ۱۶۴) ورود یافته که اخص خصایص کمالی این نوع، فضیلت تکلم و مکالمه وحی است.» (یزدی، نسخه خطی: ۲۵ پشت)

و در جای دیگر با اشاره به آیه شریفه «علم آدم الاسما كلها» (بقره: ۳۱) و حدیث قدسی «خمرت طینه آدم بیدی اربعین صباحاً» چنین بیان می‌کند: «معلوم می‌شود که آدمی در جامعیت صاحب قد حین معلی و رقیب افتاده ظهوراً و شعوراً و لهذا فضیلت معبر بخلافت و خلق بر صورت انسان کامل راست» (یزدی، نسخه خطی: ۳۶ رو)

شرف‌الدین نسبت بین انسان و عالم را به زیبایی در چند بیت بیان می‌کند:

«جمهور افاضل و اکابر جمله ز او ایل و او اآخر

هستند بر آن که هست یکسان عالم بتمام و نوع انسان

زان رو که هر آنچه باشد، انجا اینجا یابی اتم و اعلی»

(همان: ۶ رو)

آنچه از مفهوم انسان کامل مستفاد می‌شود، انسان‌های بسیاری در طول تاریخ اعم از انبیا و اولیاء و از جمله خاتم الانبیا را شامل شده و هر وصفی که در آثار ابن عربی و سایر عرفا حول محور انسان کامل، رفته بی تردید بر حضرت رسول اکرم (ص) صادق است، بلکه کامل‌ترین ظهورات حقیقت انسان

کامل کونی، در تاریخ هستی در شخص رسول خاتم (ص) می‌باشد و به واسطه او این حقیقت وجودی، «حقیقت محمدیه» نام گرفته‌است.

«جمع‌ی آمناء، خزانة دارند با دانش و بخشش و وقارند

ز ایشان رسد از عطای سلطان چیزی که رسد بمسحقان

سردار، محمد امین است پیش از همه گرچه واپسین است

در زیر لَوای اوست، آدم و ز فیض عطای اوست، عالم

لَوای شـنیده، بیاد آر وین گفته ز شاعری مپندار»

(همان: ۴ پشت)

لذا کلیه صفات کمالیه غیر از وجوب ذاتی در حقیقت محمدیه دیده می‌شود که به اعتبار وجود رفیع وسیع الدرجات خاص آن، حقیقت کلیه می‌باشد (قیصری، ۱۳۸۱: ۱۰۵). که شرف‌الدین به نقل از محققان صوفیه از آن به «حقیقه الحقایق» یاد کرده‌است. (یزدی، نسخه خطی: ۴ رو)

نتیجه‌گیری

آرا و اندیشه‌های شرف‌الدین علی یزدی ذیل رساله تهلیلیه التوحید من نفس الرحمن حکایت از ابعاد عرفانی نامکشوف این مورخ و اندیشمند قرن نهم دارد. میراث معنوی پدر، موانست و مجالست با عرفا، جامعیت علمی و هوش سرشار در کنار سیر آفاق و انفس از وی شخصیتی جامع الاطراف ساخت که منشأ خدمات فراوانی به تشیع و تصوف قرار گرفت.

شرف‌الدین، شارح و مروج اندیشه‌های عرفانی ابن عربی است؛ اعتقاد به وحدت وجود، مراتب هستی، طبقات توحید، قوس صعود و نزول، حرکت حبی، نفس رحمانی و انسان کامل همه نشان از شیفتگی وی به اندیشه‌های ابن عربی دارد همچنین شواهد و قرائن تاریخی مبین ارادت و سرسپردگی شرف‌الدین علی یزدی و خاندان شرفی به طریقت شاه نعمت الله ولی است.

هرچند نمی‌توان شرف‌الدین علی یزدی را در زمره پختگانی چون شاه نعمت الله ولی، میرسید علی همدانی و سید محمد نوربخش به حساب آورد لیکن روح حاکم بر آثار منظوم و منثور وی خصوصاً رساله مذکور حکایت از اشراف علمی و درک ذوقی و شهودی وی از حقایق عرفانی دارد. در نهایت ویژگی بارز عرفان وی را می‌توان جمع بین ظاهر و باطن، خلوت در انجمن و به عبارتی زیست عرفانی در جامعه سیاسی دانست.

منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آیتی، عبدالحسین، (۱۳۱۷)، تاریخ یزد، یزد: گلبهار یزد.
- ۳- ابن عربی، محی الدین، (بی تا)، فتوحات المکیه، جلد دوم، بیروت: دار الصادر.
- ۴- ابوی مهریزی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، سادات نعمت‌اللهی یزد در عصر صفوی، یزد: ریحانه الرسول.
- ۵- بهار، محمدتقی، (۲۵۳۵ش)، سبک‌شناسی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- ۶- جهانگیری، محسن، (۱۳۷۵)، محی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- حسینی، ابوطالب، (۱۳۴۲)، تزوکات تیموری، تهران: کتابفروشی اسدی.
- ۸- حسینی، سید احمد، (بی تا)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، جلد دهم، چاپ دوم، قم: ولایت قم.
- ۹- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی، (۱۳۶۲)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، زیر نظر دکتر دبیر سیاقی، تهران: خیام.
- ۱۰- درایتی، مصطفی، (۱۳۸۹)، فهرستواره دستنوشته های ایران(دنا)، جلد سوم، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۱- ----، ----، (۱۳۹۱)، فهرستگان نسخه های خطی ایران(فنخا)، جلد نهم، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- ۱۲- رازی، امین احمد، (۱۳۷۸)، تذکره هفت اقلیم، تصحیح سیدمحمدرضا طاهری، جلد اول، تهران: سروش.
- ۱۳- راقم سمرقندی، میرسید شریف، (۱۳۸۰)، تاریخ راقم، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۱۴- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۵)، ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- سمرقندی، دولت‌شاه، تذکره شعرا، (۱۳۳۸)، به اهتمام محمد رضانی، تهران: زوار.

- ۱۶- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، (۱۳۵۳)، مطلع سعدین و مجمع بحرین، جلد اول، تهران: انتشارات طهوری.
- ۱۷- الشیبی، کامل مصطفی، (۱۳۸۷)، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- صفا، ذبیح الله، (۲۵۳۶ش)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- صفوی، سام میرزا، (بی تا)، تحفه سامی، تصحیح رکن الدین همایون فرخ، تهران: علمی.
- ۲۰- طهرانی، آقازرگ، (۱۴۰۲ هـ.ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد نهم، بیروت: دارالاضواء.
- ۲۱- فتوحی یزدی، عباس، (۱۳۸۲)، تذکره شعرای یزد، یزد: اندیشمندان یزد.
- ۲۲- فوربز منز، بثاتریس، (۱۳۹۰)، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ترجمه جواد عباسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۲۳- قیصری، داود بن محمود، (۱۳۸۱)، رسائل قیصری، تصحیح و تحقیق سید جلال الدین آشتیانی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ۲۴- کاتب، احمد بن حسین بن علی، (۱۳۴۵)، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ۲۵- مستوفی بافقی، محمد مفید، (۱۳۴۰)، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، جلد سوم، تهران: کتابفروشی الهی.
- ۲۶- نصرآبادی، محمد طاهر، (۱۳۷۹)، تذکره نصرآبادی، به کوشش احمد مدقق یزدی، یزد: دانشگاه یزد.
- ۲۷- نفیسی، سعید، (۱۳۶۳)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۲۸- نوایی، میر نظام الدین علیشیر، (۱۳۶۲)، تذکره مجالس النفائس، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: منوچهری.
- ۲۹- هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۸۵)، تذکره ریاضی العارفین، مصحح ابوالقاسم رادفر و گیتا اشدیری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۰- یزدی، شرف الدین علی، (۱۳۸۶)، منظومات، به کوشش ایرج افشار، تهران: ثریا.
- ۳۱- -----، (۱۳۸۷)، ظفرنامه، مقدمه سیدسعید امیرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی، جلد اول، تهران: ناشر مجلس شورای اسلامی.
- ۳۲- -----، (۱۳۸۸)، منشآت، به کوشش ایرج افشار، تهران: ثریا.
- ۳۳- -----، (۸۸۰ هـ.ق)، ادله توحید (التوحید من نفس الرحمن)، نسخه خطی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۲۹.

Eminent Historian, Obscure Mystic Sharaf al-diln Ali Yazdi through
"Al-Tohid Men Nafas Al-Rahman"

Naser KHorasani¹, Davud Choganian^{2*}, Gholamali Arya³, Alireza Ebrahim⁴
PhD Student, Religions and Mysticism, Tehran North Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran.

Assistant Professor, Department of Islamic Mysticism, Neyshabur Branch, Islamic
Azad University, Neyshabur, Iran. *Corresponding Author dchoganian@gmail.com
Professor, Department of Religions and Mysticism, Tehran North Branch, Islamic
Azad University, Tehran, Iran.

Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Tehran North
Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

One of the unknown mystics of ninth century is Sharaf A-ldiln Ali Yazdi, whose book "Zafarnameh" won him the reputation of a prominent historian. Even though the recent discoveries and researches on his works have shown other aspects of his academic character, but the presentation of his recently discovered manuscript named "Al-tohid Men Nafas Al-Rahman" results in his fame and recognition as a mystic among his such qualities as a historian, man of letters, astrologer, mathematician, Lexicographer, and musician that was unknown to this day. In this study, aside from analysis of Sharaf Al-diln Ali Yazdi's life and spiritual character, his mystical point of view for such notions as Theism, Ontology, Anthropology are also verified. Sharaf Al-diln believes in the unity of essence in the multiplicity of degrees and considers the creation of the universe, which is a form of merciful breathing, as a display of the manifestation of the beautiful names of God and the orbit of love. Historical evidence shows his allegiance to Nematullah Vali in comport and his Teleporting, alongside his political and social involvements, is also very prominent and significant.

Keywords:

Sharif Al-din Ali Yazdi, Tahlilie, Al-tohid Men Nafas Al-Rahman, Zafarnameh, Mysticism.